

کرسی نقد

نقدی بر؛

رأی شماره ۳۸/۳۰۴۸۱ - و - ر مورخ ۱۳۸۴/۶/۵

کمیسیون وحدت رویه کانون سردفتران و دفتریاران

صابر ناظمی^۱

به حکم ماده ۴۹ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ یکی از وظایف دفاتر اسناد رسمی «تصدیق صحت امضا» است و مطابق ماده ۲۰ قانون دفاتر مصوب ۱۳۵۴ دفتر گواهی امضا، دفتری است که منحصراً مخصوص تصدیق امضای ذیل نوشته‌های عادی است و نوشته تصدیق امضاشده با توجه به ماده ۳۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی مسلم‌الصدور شناخته می‌شود. وزارت دادگستری آیین‌نامه لازم را برای گواهی امضا تهیه و تصویب خواهد کرد.

همان‌گونه که در ماده ۲۰ قانون یادشده مصرح است هر نوشته عادی قابل تصدیق صحت امضا است و هیچ‌گونه قید و بندی برای تصدیق صحت اسناد عادی منظور نشده است ولیکن از آنجا که وفق قسمت اخیر ماده مذکور اختیار تهیه و تصویب آیین‌نامه برای

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۷۸۶ تهران و عضو هیئت تحریریه ماهنامه «کانون».

گواهی امضا به وزارت دادگستری تفویض شده است، مطابق ماده ۱۲ آیین‌نامه مربوطه مصوب ۱۳۵۴/۱۰/۱۷ علاوه بر تکلیف دفاتر اسناد رسمی به نگهداری رونوشت یا فتوکپی سند گواهی شده محدودیت‌هایی نیز برای تصدیق صحت امضا ذیل اسناد عادی وضع گردیده است. از جمله آن که دفاتر اسناد رسمی مجاز به تصدیق صحت امضا نوشته‌های مالی نیستند و در تعریف نوشته‌های مالی نیز آمده است: «... مقصود از نوشته‌های مالی نوشته‌هایی است که در آن به طور منجز پرداخت وجه نقدی از طرف امضاکننده تعهد یا ضمانت شده باشد و یا آن که موضوع گواهی امضا شده عین یا منفعت مال غیرمنقول و یا سهام شرکت‌های ثبت شده باشد.»

قطع نظر از مغایرت یا عدم مغایرت ماده ۱۲ آیین‌نامه استنادی با ماده ۲۰ ق.د.ا.ر.ک. که در محل خود قابل بحث و بررسی است، آنچه نگهداری رونوشت یا فتوکپی سند گواهی امضا شده توسط دفاتر اسناد رسمی را توجیه می‌کند، همان محدودیت‌های مقرر در ماده ۱۲ آیین‌نامه می‌باشد. به عبارت دیگر، یکی از ادله و یا شاید تنها دلیل اثباتی برای حسن نظارت بر اجرای ماده مذکور توسط دفاتر اسناد رسمی و عدم خروج آن‌ها از محدودیت‌های وضع شده، نگهداری رونوشت یا فتوکپی سند گواهی امضا شده خواهد بود. فلذا با فرض عدم مغایرت ماده ۱۲ آیین‌نامه با ماده ۲۰ ق.د.ا.ر.ک.، تکلیف ایجاد شده نیز عقلاً و منطقاً قابل دفاع به نظر می‌رسد. لیکن در رأی وحدت رویه مورد نقد در پاسخ به سؤال دفترخانه ۷۲۷ تهران بدین شرح (آیا نسخه کپی سند گواهی امضا شده که در بایگانی دفترخانه نگهداری می‌شود نیاز به مهر و امضای سردفتر دارد یا خیر؟) آمده است: «با توجه به ماده ۱۲ آیین‌نامه دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴، سندی که مورد گواهی امضا قرار می‌گیرد باید قبل از اخذ کپی مبادرت به امضا توسط سردفتر گردد» که بنا به دلایل ذیل رأی موصوف غیرقابل توجیه به نظر می‌رسد:

۱ - همان گونه که در سطور پیشین اشاره شد، فلسفه وضع ماده ۱۲ مورد نزاع نظارت بر حسن اجرای محدودیت‌های مقرر در آن است و این نظارت چه از طریق اخذ فتوکپی پس

از امضای سردفتر یا قبل از امضا و یا حتی به حکم مقرر در ماده ۱۲ تهیه رونوشت سند گواهی امضا شده قابل اعمال بوده و ایجاد تکلیفی فراتر از منظور تدوین کنندگان و تصویب کنندگان آیین نامه قابل دفاع به نظر نمی‌رسد.

۲ - اجرای رأی موصوف به منزله ترجیح کپی امضای سردفتر به اصل امضا، بی‌تردید، بلامرجح است.

۳ - رأی مورد نقد متضمن ایجاد مضیقه در تصدیق صحت امضای اسناد عادی است. زیرا گرچه قریب به اتفاق دفاتر اسناد رسمی برای کمک و تسهیل در امور ارباب رجوع، دارای دستگاه کپی بوده و در عمل پس از تصدیق صحت امضا مبادرت به اخذ فتوکپی از آن می‌نمایند اما داشتن دستگاه کپی تکلیف قانونی نیست و در نتیجه اجرای رأی صادره موجب مشکلات عدیده برای دفاتر اسناد رسمی است. بدین معنا که برای حصول اطمینان از اخذ کپی از سند و نوشته گواهی امضا شده دفاتر اسناد رسمی لاجرم باید یا یکی از کارمندان خود را برای تهیه فتوکپی مأمور نمایند و یا این که به شیوه‌های دیگری برای حصول نتیجه متوسل گردند که در صورت اخیر نیز هیچ تضمینی برای اخذ کپی توسط متقاضی و ارائه آن به دفترخانه وجود ندارد.

در پایان تصویر دادنامه شماره ۲۶۸ مورخ ۸۶/۱۲/۷ صادره از دادگاه انتظامی سردفتران و دفترباران در خصوص مورد عیناً درج می‌شود:

«در خصوص تخلف انتسابی به آقای ... سردفتر اسناد رسمی شماره ... به شرح کیفرخواست صادره از ناحیه دادستان محترم انتظامی سردفتران و دفترباران مبنی بر اخذ کپی اسناد گواهی امضا شده و غیره این دادگاه به موضوع رسیدگی با توجه به محتویات پرونده و لایحه دفاعیه آقای سردفتر وقوع تخلفی را احراز نمی‌نماید. لذا براءت نامبرده را صادر و اعلام می‌دارد این رأی قطعی است.»